



درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۱۰ دی ۱۳۹۸

مصادف با: ۴ جمادی الاولی ۱۴۴۱

جلسه: ۱۵

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط سیزدهم؛ اخلاص

سال تحصیلی: ۹۸-۹۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مروزی بر مسأله ۵۸۴ بود. عرض شد که این مسأله دو فرض دارد که فرض اول و حکم آن در جلسه گذشته ذکر شد. همچنین، عرض شد که فرض دوم دو صورت دارد که صورت اول، این بود که اگر شک در ترک جزء یا شرط، در اثناء وضو باشد، در این صورت، شخص برمی گردد و آن شرط یا جزء مشکوک را انجام می دهد و سپس اجزاء بعد را انجام می دهد؛ هرچند که شک مورد نظر، قبل از مسح پای چپ، مثلاً نسبت به شستن صورت یا در جزئی از شستن صورت باشد [که در این صورت نیز برمی گردد و صورت را دوباره می شوید و بقیه وضو را نیز انجام می دهد]. همچنین، عرض شد که دلیل حکم مذکور در این صورت (صورت اول) ادعای عدم خلافی است که از صاحب حدائق (ره) و صاحب مدارک (ره) نقل شده است و علاوه بر عدم خلاف مذکور، ادعای اجماع نیز شده است، هرچند که ممکن است که اجماع ادعا شده، اجماع تعبیدی نباشد، بلکه مستند به روایتی باشد که در این رابطه وارد شده است [و در ذیل به آن اشاره می شود] که در این صورت، اجماع مدرکی خواهد بود و اعتباری نخواهد داشت.

علاوه بر ادعای عدم خلاف و ادعای اجماع به صحیح زراره نیز تمسک شده است که این صحیح در جلسه گذشته ذکر شد و عرض شد که این روایت به صراحت بر این دلالت دارد که در فرضی که شخص هنوز مشغول وضو گرفتن است و در جزء یا شرطی از اجزاء و شرائط وضو شک کرده است، مجالی برای تمسک به قاعده تجاوز نیست لذا شخص باید جزء یا شرط مشکوک را تدارک کند.

روایاتی نقل شده اند که با صحیح زراره معارضند که در ذیل به آنها اشاره می شود:

روایت اول: موثق ابن ابی یعفور: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «إِذَا شَكَّكَتَ فِي شَيْءٍ مِنَ الْوُضُوءِ وَقَدْ دَخَلْتَ فِي غَيْرِهِ فَلَيْسَ شَكُّكَ بِشَيْءٍ إِلَّا الشَّكُّ إِذَا كُنْتَ فِي شَيْءٍ لَمْ تَجْزِهِ».

ابن ابی یعفور از امام صادق (ع) روایت کرده است که آن حضرت (ع) فرموده است که اگر در چیزی از [اجزاء] وضو شک کردی و در غیر آن [جزء] داخل شده باشی، شک تو قابل اعتنا نیست، همانا شک اگر در جزئی باشد که از آن تجاوز نکرده باشی، قابل اعتناء است.

از روایت مذکور، استفاده می شود که شک در اثناء وضو قابل اعتنا نیست و نیازی به لزوم اعاده و تدارک جزء مشکوک نیست.

روایت دوم: عَنْ زُرَّارَةَ؛ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): ... رَجُلٌ شَكَّ فِي التَّكْبِيرِ وَقَدْ قَرَأَ، قَالَ: «يَمْضِي»، قُلْتُ: شَكَّ فِي الْقِرَاءَةِ... ثُمَّ قَالَ: «يَا زُرَّارَةُ إِذَا خَرَجْتَ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ دَخَلْتَ فِي غَيْرِهِ فَشَكَّكَ لَيْسَ بِشَيْءٍ»^۱.

امام صادق در این روایت صحیح، فرموده است که اگر شخص مشغول قرائت نماز شده باشد و در آن حال در تکبیر نماز شک کند، می‌گذرد و نمازش را ادامه می‌دهد [و به شک خود اعتنا نمی‌کند]، سپس حضرت (ع) فرمود که ای زرارہ اگر از چیزی خارج شدی و در غیر آن داخل شدی، شک تو قابل اعتنا نیست.

روایت سوم: صحیحہ اسماعیل بن جابر: عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي حَدِيثٍ؛ قَالَ: «إِنْ شَكَّ فِي الرُّكُوعِ بَعْدَ مَا سَجَدَ فَلْيَمْضِ وَإِنْ شَكَّ فِي السُّجُودِ بَعْدَ مَا قَامَ فَلْيَمْضِ كُلُّ شَيْءٍ شَكٌّ فِيهِ مِمَّا قَدْ جَاوَزَهُ وَدَخَلَ فِي غَيْرِهِ فَلْيَمْضِ عَلَيْهِ»^۲.

امام صادق (ع) در روایت مذکور، فرموده است که اگر شخص بعد از سجده در [اتیان] رکوع شک کند، بگذرد [و به شک خود اعتنا نکند] و اگر بعد از اینکه ایستاد در [اتیان] سجده شک کند، بگذرد [و به شک خود اعتنا نکند]، هر چیزی که در آن شک شده باشد و از محل آن تجاوز شده باشد و شخص در جزء بعد داخل شده باشد، پس می‌گذرد [و به شک در مورد آن اعتنا نمی‌کند].

دو روایت اخیر، مؤید موثقہ ابن ابی یعفور می‌باشند چون بحث وضو در آنها مطرح نشده است، لکن از کبرای این دو روایت، می‌توان برای حکم به عدم اعتنا به شک در اثناء وضو نیز استفاده کرد لذا روایت ابن ابی یعفور دلیل بر مدعا [عدم اعتنا به شک در اثناء وضو] می‌باشد، ولی این دو روایت، مؤید می‌باشند.

از سه روایات مذکور [روایت ابن ابی یعفور و دو روایتی که به عنوان مؤید ذکر شدند]، استفاده می‌شود که اگر شخص در اثناء وضو در جزئی از وضو شک کند با تمسک به قاعده تجاوز به آن شک اعتنا نمی‌کند و نیازی به اعاده جزء مشکوک نیست، بر خلاف نظر مرحوم سید (ره) که ایشان معتقد است که اگر شخص در اثناء وضو شک کند، باید آن جزء مشکوک را دوباره اتیان کند و بعد از آن وضویش را ادامه دهد.

تقریب معارضه بین موثقہ ابن ابی یعفور و صحیحہ زرارہ

معارضه به این نحو است که ضمیر در «فی غیره» در موثقہ ابن ابی یعفور به «شیء» برمی‌گردد و مراد از شیء، جزء مشکوک است. بنابراین، کلمه «من»، من تبعیضیه است و من بیانیه نیست؛ به این معنی که اگر در بعضی از وضو و جزئی از اجزاء وضو شک کردی [صغرای قاعده تجاوز]، به آن شک اعتنا نمی‌شود [کبرای قاعده تجاوز]. در نتیجه این موثقہ بر عدم اعتنا به شک در اثناء وضو و عدم اعاده جزء مشکوک دلالت دارد، ولی صحیحہ زرارہ بر اعاده جزء مشکوک دلالت دارد لذا این دو روایت با هم تعارض دارند.

چگونگی رفع تعارض بین موثقہ ابن ابی یعفور و صحیحہ زرارہ

عده‌ای گفته‌اند که بین دو روایت مذکور، تعارضی وجود ندارد و برای رفع معارضه راه حل‌هایی را ارائه داده‌اند که در ذیل به آنها اشاره می‌شود؛

۱. همان، ج ۸، کتاب الصلاة، ابواب الخلل الواقع فی الصلاة، باب ۲۳، ص ۲۳۷، ح ۱.

۲. همان، ابواب الركوع، باب ۱۳، ص ۳۱۸، ح ۴.

معارضه در فرضی است که هر دو روایت، یک موضوع را هدف قرار بدهند و هر یک از دو روایت حکمی متفاوت با حکم روایت دیگر را برای موضوع بیان کند، در حالی که موضوع روایت موثق ابن ابی یعفور، قاعده فراغ است و موضوع صحیح زرارہ قاعده تجاوز است، بنابراین دو روایت موثق و صحیح موضوع واحدی را هدف قرار نداده‌اند تا بین آنها تعارض باشد.

توضیح بیشتر اینکه، گفته‌اند که ضمیر در «فی غیره» که در موثق ابن ابی یعفور آمده است، به «وضوء» برمی‌گردد و به «شیء» بر نمی‌گردد، بنابراین، قاعده فراغ از این موثق استفاده می‌شود و این روایت بر قاعده تجاوز دلالت ندارد تا گفته شود که بین این موثق با صحیح زرارہ تعارض است. توضیح، اینکه «من» در «من الوضوء»، من بیانیه است و وضو بیان شیء است و «من»، من تبعیضیه نیست تا گفته شود که شیء جزء وضو است، در نتیجه، «شیء» و «وضوء» یک چیز بیشتر نیست بنابراین، «إذا شککت فی شیء من الوضوء» به معنای «إذا شککت فی الوضوء» است و همچنین، ضمیر در «فی غیره» نیز به وضو برمی‌گردد، پس معنای روایت این است که اگر شک کردی که وضو را انجام داده‌ای و در غیر وضو داخل شدی، مثلاً داخل نماز شدی، به شک اعتنا نکن که در این صورت قاعده فراغ از روایت استفاده می‌شود و قاعده تجاوز از روایت استفاده نمی‌شود تا گفته شود که بین این روایت موثق با روایت صحیح زرارہ تعارض است.

بنابراین، بین صحیح زرارہ و موثق ابن ابی یعفور تعارضی وجود ندارد چون موثق ابن ابی یعفور بر قاعده فراغ دلالت دارد که شخص از وضو خارج شده و در کار دیگری داخل شده است ولی صحیح زرارہ به موردی مربوط می‌شود که انسان هنوز در حال وضوگرفتن است لذا چون قاعده فراغ [مستفاد از موثق ابن ابی یعفور] مربوط به بعد از عمل است و مورد صحیح زرارہ، اثناء عمل است، بین این دو روایت تعارضی نیست.

اشکال به راه حل اول

به نظر می‌رسد که ظاهر از شک در موثق ابن ابی یعفور [صدراً و ذیلاً]، شک در اصل وجود شیء [مفاد کان تامه]، یعنی شک در جزء است و مراد، شک در صحت موجود [مفاد کان ناقصه] نیست زیرا ظاهر عبارت «من الوضوء» بر تبعیضیه بودن من دلالت دارد و لذا حمل آن بر من بیانیه خلاف ظاهر است لذا با توجه به تبعیضیه بودن من، ضمیر در «فی غیره» به «شیء» برمی‌گردد و در نتیجه، معارضه بین موثق ابن ابی یعفور و صحیح زرارہ به قوت خود باقی است. بنابراین، راهکار مذکور، برای رفع تعارض پذیرفته نیست.

راه حل دوم

هرچند که ظاهر از شک، شک در اصل وجود [و مفاد کان تامه] است، ولی شک، در وجود صحیح است و به تعبیر روشن‌تر در صحت موجود [که مفاد کان ناقصه است] شک نشده است، بلکه در وجود صحیح شک شده است بنابراین، موثق ابن ابی یعفور ناظر به قاعده فراغ است و ناظر به قاعده تجاوز نیست چون شخص در وجود وضوی صحیح شک کرده است؛ به این معنی که شک کرده است که آیا وضوی صحیح را انجام داده است یا وضوی غیر صحیح را انجام داده است، یعنی مفاد ظاهر این موثق، کان تامه است اما در حقیقت به کان ناقصه برمی‌گردد و در نتیجه، این قاعده از موثق به دست می‌آید که اگر شخص در جزء عمل شک کند اگر این شک بعد از فراغ از عمل باشد به آن شک اعتنا نمی‌شود، ولی اگر شک در اثناء عمل باشد به آن شک ترتیب اثر داده می‌شود؛ به تعبیر روشن‌تر، زمانی که شخص در جزئی از عمل شک می‌کند گویا در وجود صحیح، یعنی در تحقق وضوی صحیح شک کرده است، پس بر خلاف راهکار اول که من، بیانیه بود و مقصود از «شیء» خود وضو بود، در راهکار دوم، «شیء» جزئی

از وضو است و من، بیانیهِ نیست تا مقصود از «شیء» خود وضو باشد، لکن از شیء به معنای جزء، وضو برداشت می‌شود؛ به این نحو که زمانی که در یک جزء از وضو شک می‌شود، گویا در صحت وضو شک شده است و بعد از دخول در غیر وضو به قاعده فراغ تمسک می‌شود و به شک مذکور، ترتیب اثر داده نمی‌شود. پس تفاوت این راهکار با راهکار اول این است که در راهکار اول، شیء و وضو یک چیز دانسته شد، ولی در این راهکار، شیء، جزئی از وضو دانسته شده است، لکن شک در جزء به گونه‌ای است که عملاً وجود وضوی صحیح را مورد شک قرار می‌دهد، به این معنی که آیا وجود وضوی صحیح حاصل شد یا حاصل نشد که بعد از دخول در غیر وضو، به چنین شکی توجه نمی‌شود و به قاعده فراغ تمسک می‌شود. پس در نتیجه موثقه ابن ابی یغفور نه تنها با صحیح زرارۀ تعارض ندارد، بلکه موافق با آن صحیح است زیرا صحیحۀ نیز بر عدم جریان قاعده تجاوز دلالت می‌کند و این موثقۀ نیز به قاعده تجاوز مربوط نمی‌شود، بلکه به قاعده فراغ مربوط است.

اشکال به راه حل دوم

ظاهر موثقۀ ابن ابی یغفور [صدراً و ذیلاً] بر شک در اصل وجود شیء دلالت دارد و بر شک در صحت موجود دلالت ندارد لذا همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، من، من تبعیضیه است و ضمیر در «غیره» به شیء برمی‌گردد بنابراین، این روایت موثقۀ به قاعده تجاوز مربوط می‌شود و ارتباطی با قاعده فراغ ندارد. در نتیجه، راه حل دوم برای رفع تعارض بین موثقۀ ابن ابی یغفور و صحیحۀ زرارۀ نیز پذیرفته نیست.

راه حل سوم

این است که وضو به اعتبار اثری که دارد [که ایجاد طهارت حدثیه است] یک امر واحد بسیط است و بنابراین، جزئی برای وضو تصور نمی‌شود، یعنی اثر وضو که طهارت حدثیه است، تجزیه‌پذیر نیست و لذا در بعضی از روایات نیز تعبیر «الوضوء لا یتبعض»^۱ وارد شده است که به این معناست که وضو تبعیض‌بردار نیست، یعنی شارع اجزاء وضو [غسلات و مسحات] را ملاحظه نمی‌کند بنابراین، چون وضوء امری بسیط است، ضمیر در «غیره» به خود وضو برمی‌گردد و به جزء وضو بر نمی‌گردد چون شارع مقدس برای جزء حساب جداگانه‌ای باز نکرده است و در نتیجه من، بیانیهِ است و تبعیضیه نیست و لذا این موثقۀ در قاعده فراغ ظهور پیدا می‌کند و ربطی به قاعده تجاوز ندارد.

بحث جلسه آینده: اشکال به راه حل سوم، ان شاء الله، در جلسه آینده بیان خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمین»

۱. همان، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۳، ص ۴۴۶، ح ۲.